

## دریچه‌ای دیگر

### بررمزوراز

### سبک هندی

محمود نیکویه

شاعر آینه‌ها

(بررسی سبک هندی و شعر بیدل)

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

انتشارات آگاه، ۳۳۸۰ صفحه ۵۵۰ ریال

سبک هندی از آغاز یا دست‌کم از شروع دورهٔ بازگشت ادبی همواره مورد بحث موافقان و مخالفان بوده است. در سی‌چهل سال اخیر نیز بسیاری در این باره نوشته و کتابهایی در این زمینه انتشار داده‌اند. آخرین اثری که در باب سبک هندی منتشر شده "شاعر آینه‌ها" نوشته و پژوهش دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی است که در آن به انتشار پاره‌ای مباحث درباره سبک هندی و منتخبی از اشعار بیدل دهلوی دست یازیده است. آنچه می‌خوانید نقد و نوشتاری از محمود نیکویه در بارهٔ این اثر است.

آثار و تحقیقات آقای شفیعی کدکنی در زمینهٔ نقد و بررسی شعر فارسی برای طالبان پژوهشهای ادبی و دوستان آن نقد شعر فارسی، ناآشنا و بیگانه نیست. کتاب "صور خیال در شعر فارسی" اثر معروف و کم‌نظیر او که گویا رسالهٔ دکتری ایشان بوده و متأسفانه چاپ آن ناتمام مانده، تحقیق گسترده و جالبی است در زمینهٔ "ایماز" و تصویرپردازی در شعر فارسی که از نخستین شاعران زبان فارسی شروع می‌شود و اگر مجلدات دیگری آن انتشار یابد، مجموعه‌ای گرانقدر از بررسی دورهٔ هزار ساله شعر کلاسیک فارسی از نظر تصویرپردازی سخن سرایان ایرانی در اختیار خواهیم داشت.

گذشته از "صور خیال...". دکتر شفیعی در سالهای اخیر کتابهای دیگری نیز در زمینه بررسی شعر فارسی انتشار داده که هر یک از

دیوان غزلیات بیدل (حدود سی و پنج هزار بیت) ۲۸۲ غزل و هم‌چنین تعداد شصت رباعی از مجموع چهارهزار رباعی او انتخاب کرده و در پایان کتاب "فرهنگ تداعی ماه برخی از مضامین کلیدی شعر بیدل را برای شناخت بیشتر شعر او برای خوانندگان کتاب توضیح داده‌اند.

با این همه آنچه خواننده نکته‌یاب را به کتاب جلب می‌کند مقدمهٔ کتاب و گفتار مولف آن است که حاوی سخن‌های تازه در باب سبک هندی و به‌ویژه طرز سخن‌سرایی بیدل است.

دکتر شفیعی در این مقدمه سبک را "انحراف از نرم" معنی کرده و برای توضیح بیشتر دلایلی نیز ارائه می‌دهد. البته آنچه سبکهای گوناگون شعر فارسی را از هم متمایز می‌کند وارد شدن عناصر تازه و هم‌چنین وجوه افتراق و ویژگیهای دیگر در سبکهاست که در نظر صاحبان فن به خوبی آشکار و قابل تشخیص است.

اما به عقیدهٔ دکتر شفیعی "انحراف از نرم" که باعث پیدایش سبک می‌شود تنها بودن یا نبودن عنصر یا عناصر تازه در سبک جدید نیست بلکه آنچه یک سبک را از سبکهای دیگر و یا سبک ماقبل خود متمایز می‌کند تعداد "بسامد"های عناصر است. بنابراین بررسی و مطالعه سبکها، سنخش آماری بسامدهای فراوان و چشمگیر عناصر در سبک مورد نظر است.

طبق این روش آقای شفیعی به بررسی سبک بیدل پرداخته و ویژگیهای زیر را از مشخصات سبک بیدل معرفی کرده است:

- ۱- افزونی تصویرهای پارادوکسی ۲-
- افزونی بسامد حسامیزی ۳- افزونی بسامد وابسته‌های عددی ۴- افزونی بسامد تشخیص
- ۵- افزونی بسامد ترکیبات خاص ۶- افزونی بسامد تجرید ۷- افزونی بسامد اسلوب و معادله
- ۸- شبکه جدید تداعی در پیرامون موتیوهای قدیم و ایجاد موتیوهای نو.

و در مورد هر کدام از موارد بالا به تعریف و توضیح و ذکر شواهد از اشعار بیدل و هم‌چنین سبک هندی پرداخته و در عین حال، روشی بدیع و نو در مطالعه و بررسی سبکها به دست‌اندرکاران اینگونه کارهای ادبی ارائه کرده است که در نوع خود در عین تازگی از اهمیت علمی برخوردار است.

در قسمت وابسته‌های عددی و ارتباط آن با معدود آقای شفیعی چهارگونه از این نوع ترکیب‌های شمارشی را در شعر بیدل معرفی می‌کند که اکثراً "غریب و محجورند و معدودها غالباً" از امور انتزاعی و تجربیدی انتخاب شده‌اند. در نمونه‌های گروه اول که عدد و



آنها در نوع خود برای پژوهشگران ادبی با ارزش و راهگشا است. کتاب "موسیقی شعر" (۱۳۵۸) و "ادوار شعر فارسی" (۱۳۵۹) و کتاب اخیر او "شاعر آینه‌ها" از جمله کتابهایی است که توسط ایشان انتشار یافته است.

آنچه به کتابهای دکتر شفیعی ارزش خاص بخشیده تسلط او بر اصول نقد ادبی و اطلاع از نظریه‌های منتقدان این رشته در جهان و نگرش خاص او به شعر به عنوان یک ناقد محقق است. گذشته از آن دکتر شفیعی در اثر آشنایی کامل و مهارت پیوسته با زبان تازی از اصول و نظریات علمای عرب در علم بلاغت نیز بهره جسته و این همه باعث شده که رای او در نظر دوستداران این رشته از ادب فارسی، از مقبولیتی ویژه برخوردار گردد.

"شاعر آینه‌ها" که در برگزیده منتصب اشعار عبدالقادر بیدل دهلوی شاعر قرن یازدهم و دوازدهم هجری است دارای مقدمه مفصلی دربارهٔ ویژگیهای سبک هندی و تحقیق در پیرامون زندگی و اشعار بیدل است. دکتر شفیعی با نگاشتن این مقدمه درجه تازه‌ای به دنیای بررمزوراز از سبک هندی گشوده و راه‌آوردی دلچسب برای دوستان شعر فارسی به‌ویژه طرفداران این سبک به ارمغان آورده است. (۱)

کتاب حاضر مجموعه چند مقاله است که قسمت‌هایی از آن قبلاً در مطبوعات ایران منتشر شده و می‌توان گفت برای نخستین بار شناسایی بیدل از جانب پژوهشگران ایرانی توسط ایشان صورت گرفته است. گذشته از آن آقای شفیعی از میان حدود سه‌هزار غزل از

معدود عاری هستند مثالها تاحدی پذیرفتنی می‌نمایند مانند: "صد دشت مجنون"، "صد کوه فرهاد"، "صد مصر شکر"، "یک لب نمک" اما در گروههای دیگر هم عدد و هم معدود از امور انتزاعی و غیر ملموس ساخته ذهن و پریشان‌گوی بیدل است. ترکیب‌هایی همانند "یک سحرر سواهی"، "یک مژه حیران"، "سه سرو آه کردن" و از هم غریب‌تر "طول صد عقبی امل"، "یک تپش جرات" و "صد جنون شور نیستان" و... در اشعار بیدل حتی خواننده حرقه‌های اشعار کلاسیک را نیز بی‌حوصله و منتفر می‌کند.

در شواهد نمونه‌های گروه سوم در ذکر "یک افتادگی زنجیر" در بیت:  
"به چشم اعتبار از بیخودی عمری جنون کردم  
کنون چون اشک یک افتادگی زنجیر می‌خواهم"  
در معنی بیت مذکور نوشته‌اند:  
"یعنی به اندازه یک افتادن، خواهان زنجیرم، یعنی زنجیری که مرا در راه رفتن به زمین بیندازد" ص ۵۵

چرا شاعر خواهان زمین خوردن است؟ تصور می‌رود اشاره شاعر به قطره‌اشک که شبیه حلقه زنجیر است، باشد. تا نظر دیگران چه باشد؟ در حاشی دیگر در مورد ترکیب عددی "یک ناله رس" در بیت:

"فریاد نفس سوختگان، عجز نگاهی است  
ای وای که دور از تو به یک ناله رس افتم."  
می‌نویسد: همان است که در تعبیر عامیانه خراسان به صورت "یک جیغ وار راه" باقی مانده به معنی فاصله‌ای که بتوان جیغ (صدای بلند) کسی را از آن شنید. ص ۵۳  
اگر چه فهم اشعار بیدل برای کسانی که اندک آشنایی با شعر فارسی و به‌ویژه سبک هندی دارند، مشکل است ولی به نظر می‌رسد استاد در معنی شعر به بیراهه رفته‌اند. چرا که با کلمه "ای وای" بیشتر می‌توان گره بست را گشود. بیدل می‌گوید از این می‌ترسم که دور از تو دیگری ناله رس من نشود. گذشته از آن با درک مفهوم اخیر شعر گمان می‌رود ذکر "یک ناله رس" و شاهد شعری آن در عنوان وابسته‌های عددی موردی نداشته باشد.

شعر بیدل اوج سبک هندی است و بیدل تمامی ظرفیت‌های این سبک را برگزیده و جایی برای دیگران باقی نگذاشته است و این در حدی است که به قول دکتر شفیعی تعبیرات و مضامینی که او استفاده کرده حتی تاکنون در شعر معاصر نیز به‌کار نرفته است. ترکیبات و تعبیراتی نظیر "تسم خاکستری"، "شیون رنگین"، "ناله رنگ"، "سخن بهار اندوده"، "شعله آواز"، "تعبیر جیغ بنفش" را در شعر امروز فریاد می‌آورد. در سالهای قبل هر کس که در مقام انتقاد از شعر نو برمی‌آمد

فورا "ترکیب جیغ بنفش" را به میان می‌کشید. با مطالعه اشعار بیدل خواننده در می‌یابد که شاعر "جیغ بنفش" زیاد هم بی‌راه نرفته است فقط زین میان هوشنگ ایرانی بیچاره بدنام افتاد!

پیچیدگی اشعار بیدل به حدی است که استاد خود در معنی بیت:  
"شعله ادراک خاکستر کلاه افتاده است  
نیست غیر از بال قمری پشمی مینای سرو"

که بیش از یک صفحه و نیم توضیحات در معنی بیت مذکور می‌دهد (که خواننده خود باید دو سه بار نوشته را بخواند و تعبیر بیدل را به خاطر بسپارد تا معنی شعر را دریابد) سرانجام می‌نویسد:

"این نوع شعرها را نمی‌پسندم اما بعد در اینجا به عنوان نمونه کار و نشان دادن ارتباطهای پنهانی اجزای این بیت آن را مورد بحث قرار دادم و همین جا بگویم که این گونه کارها، شعر نیست حماقت است. ص ۷۸ و این سخن درستی است. اما با پاره‌ای دیگر از تعریف و تمجیدهای استاد درباره بیدل منافات دارد و خواننده در یک نتیجه‌گیری کلی درمی‌ماند که آیا واقعا "بیدل همانگونه که استاد شفیعی می‌گوید شاعری همطراز حافظ است یا خیر؟"

بخشی دیگر از مقدمه، مقاله "بیدل و بیدل‌گرایان" ترجمه بخشی از تحقیق پروفسور بری بجکا در باب ادبیات فارسی در ماورا-النهر در قرون اخیر است. تحقیق بجکا نیز همانند پژوهشهای ایرانشناسان روس که تمامی آثار ادبی را از زاویه فلسفه مادی و انطباق آن با ماتریالیسم می‌نگرند، مایه گرفته است.

مقاله بجکا با نوشته دکتر شفیعی تفاوت ماهوی دارد، چرا که در بررسی او بیدل شاعری فورمالیست معرفی شده و در تحقیق ایرانشناسی روس بیدل شاعری ضد فتودالی و از دیدگاه فلسفی یک شاعر مادی شناخته می‌شود بجکا برای نمونه یک مصرع از شعر بیدل را به عنوان شاهد مثال ذکر می‌کند که:

"آدمی هم پیش از آن کادم شود، بوزینه بود."  
و نتیجه‌گیری می‌کند: "آنچه در قلمرو ماده است، انسان و اشیاء، همه موالید طبیعت‌اند و جهان قدیم است و ازلی و بی‌پوسته در حرکت" ص ۸۵  
به راستی که به قول مولانا:

هر که نقش خویشتن بیند در آب  
برزگر باران و گازر آفتاب

قسمت پایانی این مقدمه دلچسب و عالمانه به (حافظ و بیدل در محیط ادبی ماورا-النهر در قرن نوزدهم) اختصاص دارد. در این مقال دکتر شفیعی از یادداشت‌های

صدرالدین عینی (از ادبای معروف تاجیک) استفاده کرده و نقود حافظ و به‌ویژه بیدل را در محیط ادبی ماورا-النهر نشان داده است. (۲)

باید دانست که نهضت بازگشت ادبی که به‌عنوان یک کودتا علیه سبک هندی تلقی می‌شود در دیگر سرزمینهایی که در قلمرو زبان فارسی دری قرار داشته، بجد گرفته نمی‌شود و علی‌رغم سبک‌های ادبی نوین در ایران، به سنت ادبی خود وفادار می‌ماند.

در عصر کنونی نیز که حرکت نو در ایران به دست‌آوردهای جالب توجهی در پهنه شعر دست یافته، سبک هندی همچنان به حکومت خود در اقطار دیگر زبان دری مانند ماورا-النهر (ازبکستان و تاجیکستان) و افغانستان و شبه قاره (هند و پاکستان و بنگلادش) ادامه می‌دهد.

در اثر این توجه، بدیهی است که شعر شاعران مشهور سبک هندی همچون صائب تبریزی و افتخار او و به‌ویژه بیدل همیشه و در همه حال به‌عنوان الگو و سرمشق مورد تقلید و اقتباس و استقبال شاعران آن سرزمینها قرار داشته و آثار و دواوین آنها بیشتر از ایران در آن مناطق به چاپ رسیده است.

(۱) در میان پژوهشگران شعر فارسی، دکتر شفیعی گدکنی تبحر و تخصصی بیشتر در شناخت و معرفی سبک هندی دارد و سابقه نشر این به مطالعات به‌اوایل دهه چهل بر می‌گردد.

خوانندگانی که با مطبوعات آن دوره آشنایی دارند، شاید بخاطر داشته باشند که برای نخستین بار شفیعی گدکنی بود که پرده از دیوان ناشناخته حزین لاهیجی شاعر قرن نهم برداشت و چهره مشاعری به نام غواص گیلانی را که با ترفندهای ادبی دیوان حزین را بخود بسته و از این طریق خود را شاعری یگانه می‌پنداشت، افشا نموده و این در حالی بود که اکثر ادبای معاصر به شاعری او گردن نهاده تا حاشی که نیام نام‌آور نیز مفتون اشعار مسروقه او شده و برای دیدارش رنج سفر به‌رشت را بر خود هموار کرده بود، ولی شفیعی گدکنی که در آن زمان هنوز موفق به اخذ درجه دکتری خود نشده بود، یگتنه در مقابل طرفداران بی‌شمار او قدامت کرده و ضمن شناساندن حزین به جامعه ادبی ایران، دکان شاعری غواص را نیز برای همیشه تخته می‌کند.

(۲) این یادداشت‌ها توسط آقای سعیدی سیرجانی در سال ۱۳۶۲ وسیله انتشارات آگاه منتشر شده است.